

مریم رجوی: ۳۰ خرداد، دو سرنوشت و دو افق تاریخی را مرزبندی کرد

۳۱ خرداد ۱۳۹۹

## سخنرانی در گردهمایی به مناسبت آغاز چهلمین سال مقاومت سراسری

بعدازظهر شنبه ۳۱ خرداد ۹۹، در آغاز چهلمین سال مقاومت مردم ایران علیه فاشیسم دینی، یک کنفرانس بین‌المللی با حضور مریم رجوی و در ارتباط آن لاین با ۲۰۰۰ نقطه در کشورهای مختلف و اشرف ۳ در آلبانی برگزار شد.

شرکت کنندگان و سخنرانان آغاز چهلمین سال مقاومت انقلابی، روز شهیدان و زندانیان سیاسی و سالروز تأسیس ارتش آزادیبخش ملی ایران را که سرفصل سرفصل‌های مقاومت پایدار مردم ایران برای سرنگونی دیکتاتوری آخوندهاست، گرمی داشتند و از مبارزات مردم و مقاومت ایران برای سرنگونی رژیم حمایت کردند.

در این کنفرانس، هموطنان و نمایندگان جوامع ایرانی در کشورهای مختلف و همچنین شخصیت‌های سیاسی و پارلمانی و مدافعان حقوق بشر و حامیان مقاومت ایران از کشورهای مختلف جهان حضور داشتند. شماری از آن‌ها سخنرانی کردند و شماری هم با پیام‌هایشان همبستگی خود را با مقاومت و قیام مردم ایران اعلام کردند.

در این کنفرانس همچنین شماری از خواهران مجاهد زندانی دهه ۶۰ در اشرف ۳ و نمایندگان از جوامع ایرانیان در کشورهای مختلف سخنانی ایراد کردند. مریم رجوی در این گردهمایی طی سخنانی گفت:

روز شهیدان و زندانیان سیاسی  
هم‌میهنان!

شورشگران و قیام‌آفرینان، کانون‌های شورشی!  
خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی!  
سی خرداد آغاز چهل‌مین سال مقاومت سراسری در برابر استبداد مذهبی، روز شهیدان و زندانیان سیاسی و سالروز تأسیس ارتش آزادی‌بخش ملی ایران، فرخنده و گرامی باد.  
به خالقان این نقطه عطف بزرگ تاریخ معاصر، به‌ویژه به مسعود رجوی رهبر این قیام تاریخی، درود!

xxx

به نسل ۳۰ خرداد و کهکشان شهیدان‌اش از اشرف و موسی تا صدیقه و ندا تا آخرین شهید کانون‌های شورشی درود، درود، درود!

### سی خرداد مرز میان استبداد و آزادی

در تاریخ معاصر ایران، هیچ واقعه‌یی به اندازه ۳۰ خرداد، مرزهای عمیق میان جبهه آزادی و استبداد را بارز نکرده است و هیچ سرفصلی به این اندازه مایه تکامل جامعه ایران در جهت آزادی و عدالت نشده است.

این تقابل در درون جنبش مشروطه نیز وجود داشت؛  
این تقابل در جنبش ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق فقید هم وجود داشت؛  
اما در تاریخ یک سده اخیر هیچ‌گاه به چنین مرزبندی آشکاری بالغ نشده بود.

پس ۳۰ خرداد، سره را از ناسره جدا کرد. میان دو مسیر، دو سرنوشت و دو افق تاریخی مرزبندی کرد:

مرز میان استبداد و آزادی،  
مرز میان خرافه و ارتجاع با اسلام آزادی و رهایی،  
مرز میان اپورتونسیسم و چپ‌نمایی و ژست‌های میان‌تهی، با فداکاری و قیمت‌دادن،  
مرز میان سر خم کردن در برابر فاشیسم دینی و هم‌جبهه شدن با شیخ و شاه با مرزهای سرخ و شعله‌ور ایستادگی، سرفرازی و سربرداری.  
مرز میان آنچه نباید کرد و آنچه باید کرد.

مرز میان تسلیم و سازش با مقاومت به هر قیمت و مرز میان ندامت و تواب‌گری با مجاهدت و مبارزه و ایستادن بر سر موضع یعنی بر سر عهد و پیمان و اصول خدشه‌ناپذیر. ۳۰ خرداد به لحاظ تاریخی آن روی سکه و نقطه مقابل ۲۸ مرداد است. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احزاب زمانه در انفعال و یاس فرو رفتند و از دور خارج شدند. اما در ۳۰ خرداد به وضوح و روشنی می‌توان دید که در ایستادگی و مقاومت: از آن ماست پیروزی، از آن ماست فردا ...

دو روز پیش رئیس جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، در هشتادمین سال فراخوان ژنرال دوگل به مردم فرانسه برای شورش علیه سازش و تسلیم و برای ادامه مقاومت، فراخوان او به زنان و مردان با اراده را یادآوری کرد که هرگز شکست را نپذیرند و به تسلیم تن ندهند.

هموطنان،

دوستان گرامی،

آینه تاریخ ۴۰ ساله، ضرورت و حقانیت ۳۰ خرداد را به روشنی نشان می‌دهد و به همین دلیل بعد از گذشت این همه سال، ۳۰ خرداد غبار کهنگی نپذیرفته است:

در فردای ۳۰ خرداد، دادستانی انقلاب خمینی، با انتشار عکس‌های دختران ۱۶ - ۱۷ ساله هوادار مجاهدین که اعدام شده بودند، از خانواده‌ها خواست که برای شناسایی پیکر فرزندان‌شان مراجعه کنند.

زیرا آن‌ها بدون گفتن نام‌شان، خود را مجاهد خلق با آدرسی در قلب خلق معرفی کرده و تا لحظه تیرباران فریاد می‌زدند: "زنده باد آزادی".

چاپ این عکس‌ها در روزنامه‌های آن زمان، در وهله اول سفاکی و سنگدلی خمینی و پاسداران او را فاش کرد.

اما گذشت تاریخ، حقیقت بالاتری را هم ظاهر کرد: آن دختران کم سن و سال، آن مشتهای گره کرده، آن فریادهای زنده باد آزادی و حتی نگفتن نام‌هایشان به جلادان، الگوی تازه و شگفتی در دنیای انقلاب‌ها ارائه کرد.

الگویی بی‌نام و نشان، معصوم و مظلوم، از جان‌گذشته، ضد تمام عیار خمینی و از همه مهم‌تر به‌قول خمینی بر سر موضع، یعنی تسلیم‌ناپذیر و پایدار. ترجمه تاریخی آن در یک کلمه این است: شکست‌ناپذیر.

آن‌ها طلایه‌داران نسل نویی بودند که به میدان مبارزه و انقلاب ایران گام نهادند. برای شکستن بن‌بست زمانه و برای مقاومت در برابر مهیب‌ترین نیروی ارتجاعی تاریخ ایران به‌پا خاستند.

مدعیان رنگارنگ پیشین و ایدئولوژی‌هایی که دیگر کشش و ظرفیتی نداشتند، از چرخه تاریخ خارج شدند. نسل نویی پا به‌صحنه گذاشت که از روز اول بنای کارش قیمت‌دادن بود.

مرجان عزیزم که در همین ماه به‌سوی خدا پرکشید و میلیون‌ها نفر از هموطنان‌مان از او و هنر و تعهدات مبارزاتی‌اش تجلیل کردند، درباره دوران اسارتش گفت: در سلول، زن جوانی را دیدم که اسمش شهین بود. بیست و چهار پنج سال بیشتر نداشت و او را تازه پس از تولد فرزندش از بیمارستان اوین به بند آورده بودند. او می‌گفت همسرش قبل از اعدام خواسته که اسم نوزادشان را به نام خواهرش که در پنج مهر شهید شده بود، سولماز بگذارند.

مرجان گفت: روزی که می‌خواستند شهین را برای اعدام ببرند، پیشانی سولماز کوچک را بوسید. او در خواب بود و در آغوش مادرش درست مثل مجسمه مریم مقدس میکل‌آنژ شده بود. دیگر نتوانستم طاقت بیاورم؛ صورت‌ام را میان دست‌هایم مخفی کردم تا صدای گریه‌ام را نشنوند. تا این که با دستی که شهین به سرم کشید به خودم آمدم. لحظه‌یی به چهره آرام و لبخند تلخی که به لب داشت خیره شدم. او سولماز را توی بغلم گذاشت و رفت ...

نظیر این صحنه‌ها هزاران بار در شکنجه‌گاه‌های خمینی و خامنه‌ای اتفاق افتاده است. قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ که ۹۰ درصد آن‌ها مجاهدین بودند، از قله‌های رفیع فداکاری برای آزادی است. این قتل‌عام، جنایتی مثل کشتارهای قومی یا نژادی نبود

که قربانیان بدون توجه به مواضع و اعتقادات و انتخاب‌هایشان هدف قرار بگیرند. بلکه چنان‌که در حکم خمینی تصریح شده بود، هر حلق‌آویز از انتخاب یک به یک زندانیان عبور می‌کرد تا روشن شود کدام یک بر سر موضع خود ایستاده‌اند.

این مهم‌ترین وجهی است که قتل‌عام ۶۷ را از همه کشتارهای جمعی متمایز می‌کند. در حقیقت خمینی، طرح ریشه‌کنی و انهدام تمام عیار مجاهدین را به اجرا گذاشت. اما به‌رغم دریای خونی که جاری کرد، در تلاش خود برای از بین بردن مجاهدین شکست خورد.

در عین حال قتل‌عام ۶۷ همان مرزبندی ۳۰ خرداد را برجسته کرد. یعنی ترسیم مرزسرخ میان مجاهدان و مبارزان راه آزادی با دشمنان آرمان آزادی. نسل‌شورشگری که در قیام‌های مردم ایران سربرافراشته از حقانیت همان خون‌ها شکوفا شده است. آن خون‌ها هم‌چنان در جوشش است و در سالگرد قتل‌عام ۶۷، مردم و مقاومت ایران عهد می‌کنند که جنبش دادخواهی را تا محاکمه سران رژیم ولایت فقیه در پیشگاه مردم ایران ادامه دهند.

در آستانه ۳۰ خرداد، خمینی خطاب به مجاهدین گفت: «من اگر در هزار احتمال، یک احتمال می‌دادم که شما دست بردارید از آن کارهایی که می‌خواهید انجام بدهید حاضر بودم با شما تفاهم کنم...»

معنی عملی حرف او هم‌چنان‌که همان روز مجاهدین به درستی دریافتند این بود که وصیت‌نامه‌هایتان را بنویسید، برای اسارت و شکنجه در قفس و تابوت و واحدهای مسکونی آماده شوید، پیکرهایتان از صخره‌های چهارزبر آویزان می‌شود، حتی در اشرف در آن سوی مرزهای ایران نیز اگر پایداری کنید، بمباران و موشکباران و تیغ و تبر و رفتن به زیر هاموی و لودر و شکنجه صوتی با ۳۲۰ بلندگو در پیش است.

در پاکستان و ترکیه و ایتالیا و سوئیس هم ترور خواهید شد. در آلبانی و فرانسه هم دیپلمات-تروریست‌ها با مزدورانشان برایتان بمب و مواد انفجاری هدیه می‌آورند. با معجون‌های شیطان‌سازی تا نتیجه بگیرند باز همین رژیم از مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران بهتر است!

حالا مجاهدین را در آینه درخشان مقاومت ۴۰ ساله مردم ایران نگاه کنید که چگونه در قتل عام ۶۷، هزار هزار بر حلقه‌های دار بوسه زدند، و بین تسلیم و نام و راه مسعود رجوی، او را یعنی راه آزادی و مقاومت را برگزیدند. آری، از هزار احتمال یکی هم پیش نیامد که از نبرد دست بردارند و دست برنخواهند داشت تا روز آزادی ایران.

بله این است معنای قیمت دادن که چکیده خون‌سرشته تاریخ این ۴۰ سال است. دست آخر هم با عبور سرفرازانه از ۲۰ دادگاه بین المللی و ۳۳ کارزار آتشین در اشرف و لیبرتی با شهیدان و مجروحان بسیار، توانستند با بر جای گذاشتن میلیون‌ها دلار اموال ناشی از کار ۳۰ ساله‌شان فقط با ۲۰ کیلو بار به آلبانی بیایند. و در اشرف ۳ شوری دیگر برای آزادی بیافرینند.

هم‌میهنان عزیز!

بدون جنبش فداکارانه مردم ایران، صحنه سیاسی ایران، شوره‌زار یأس و انفعال می‌شد. کسانی که تأثیرات روانی و اجتماعی حمله مغول به ایران را بررسی کرده‌اند، نمونه‌های دردناکی حاکی از زوال اراده پایداری در جامعه آن روز را گزارش می‌کنند. در کتاب‌های تاریخ این دوره نوشته‌اند: « اگر یک کلاه مغولی به ناگاه میان هزار نفر خوارزمی پرتاب می‌شد، جملگی از ترس می‌گریختند».

اما امروز مقاومت سازمان‌یافته مردم ایران با پایداری طولانی و الگوی ایستادگی، وجدان جمعی مردم ایران را تحت تأثیر خود قرار داده و اوضاع متفاوتی شکل داده است. سلسله قیام‌های ضد حکومتی در همه این‌سال‌ها ادامه منطقی و تاریخی خط سرخی است که از ۳۰ خرداد ترسیم شد.

قیام‌هایی که از دی ماه ۹۶ آغاز شده و در رأس همه، آبان آتشین و خونین ۹۸، همان استراتژی ۳۰ خرداد است که در کف خیابان جاری و ساری شده و به رساترین زبان سخن می‌گوید.

قیام آبان که در عرض فقط ۴۸ ساعت، یکبارہ در ۹۰۰ نقطه کشور شعله‌ور شد، از جنس و طینت همان رعدی بود که در سی خرداد در آسمان بی‌ابر تهران به صدا درآمد.

در آن روز سپاه پاسداران بر اساس دستور خامنه‌ای به کشتار دست کم ۱۵۰۰ تن از قیام‌کنندگان دست زد. آمار واقعی البته بیشتر است. اما رژیم ولایت فقیه نمی‌تواند جنبشی را مهار کند که برای سرنگونی رژیم‌اش به اوج رسیده و در کانون‌های شورشی استمرار یافته است.

آری، اگر نبود قیام ۳۰ خرداد و نبرد تاریخی برخاسته از آن، لاجرم همه در همین رژیم تحلیل می‌رفتند و پوچ‌گرایی و ابتذال همه‌گیر می‌شد. با همان پوچی ۲ خرداد و اصلاحات کذایی و سبزینه و ایدئولوژی بی‌هزینه‌گی و سرانجام خودکار سبز خامنه‌ای که در قیام دی ماه ۹۶ جوانان شورشگر به هر دو روی ماجرای ولایت اعم از اصلاح طلب و اصولگرا نقطه پایان گذاشتند. در دیکتاتوری سلطنتی شاه هم قبل از مقاومت و جان فشانی‌های مجاهدین و فدایی‌ها سقف خواسته همه احزاب و سیاسیون زمان، رفرم نامتصور در آن دیکتاتوری اصلاح‌ناپذیر بود و این که شاه باید سلطنت کند و حکومت نکند. آخر در شرایط ایران شاهی که حکومت نکند که دیگر شاه نیست!

در زمان شیخ هم اگر همین مقاومت و ۳۰ خرداد نبود، صحبت از سرنگونی تمامیت رژیم ولایت فقیه موضوعیت پیدا نمی‌کرد و سقفش این بود که شیخ باید روضه و دعا بخواند و حکومت نکند.

پس بدون ۳۰ خرداد و رود خروشان خون شهیدانش، سرنگونی رژیم در تمامیت آن به‌خواست عمومی مردم ایران تبدیل نمی‌شد و از قیام و خیزش‌های بعدی خبری نبود. خمینی دجال این‌چنین افشا نمی‌شد و ارتجاع و بنیادگرایی در ایران و منطقه آنتی‌تزی پیدا نمی‌کرد.

بدون ۳۰ خرداد، هرگز آلترناتیو دمکراتیکی در برابر رژیم پا نمی‌گرفت. شورای ملی مقاومت تأسیس نمی‌شد و از یک برنامه پیشرو برای آینده ایران اثری نمی‌بود. یک نسل انقلابی به‌خصوص هزاران زن جنگاور و شورشگر به میدان نمی‌آمدند و تاریخ ایران را این‌چنین ورق نمی‌زدند و راهی برای امر برابری و رهایی زنان گشوده نمی‌شد.

پس به قول مسعود رجوی ما با خمینی به عنوان یک شخص در جنگ نبوده و نیستیم. بلکه دقیقاً با "لجن زار یک تاریخ" جنگ در چنگیم. با دنیایی از ارتجاع و نظم ارتجاعی آخوندی. و با دنیایی از مماشات و همدستی با همین رژیم.

اما به رغم همه توطئه‌ها و سرکوب و قتل عام و تیرباران و بمباران و جنگ‌افروزی و تروریسم و شیطان‌سازی و خروارها دروغ و پرونده سازی ... خوشا که پرچم مقاومت و سرنگونی رژیم آخوندی، با تشکیلات مجاهدین و آلترناتیو شورای ملی مقاومت برافراشته نگه داشته شد.

خوشا به تربیت نسلی از زنان و مردان از خودگذشته و وارسته که در خط مقدم نبرد ایستادگی می‌کنند و خوشا خلق ارزش‌های مبارزاتی و فضیلت‌های انسانی. ارزش‌هایی هم‌چون فداکاری، صداقت، برابری، بردباری، نفی جنسیت‌زدگی و فردیت خودپرستانه، برابری زن و مرد، انتخاب آزادانه و اجتناب از کرسی‌خواهی و قدرت‌طلبی. و خوشا مقاومتی که با راهبری مسعود این همه دستاورد داشته و تا پیروزی نهایی همچنان خالق ارزش‌های نوینی خواهد بود.

## استراتژی کلان تلفات انسانی

هم‌میهنان!

بر اثر سیاست‌های ضد انسانی خامنه‌ای و روحانی کرونا در سراسر ایران زبانه می‌کشد و قربانی می‌گیرد.

برخی از مقام‌های رژیم اعتراف می‌کنند که شمار مبتلایان به کرونا در ایران بین ۱۶ تا ۲۰ میلیون نفر است و برخی دیگر می‌گویند آمار مبتلایان بیست برابر آمار رسمی رژیم یعنی ۴ میلیون نفر است.

در جنگ ضد‌میهنی، استراتژی خمینی، بستن راه مطالبات آزادی‌طلبانه مردم ما با تحمیل یک میلیون کشته و میلیون‌ها مجروح و معلول و آواره بود، حالا خامنه‌ای - روحانی برای سد بستن در برابر خطر قیام و سرنگونی، استراتژی اجساد و کلان تلفات انسانی را در پیش گرفته‌اند. اما این سد دوام و استحکامی ندارد. چرا که آخوندها در گرداب سرنگونی گرفتارند.



## تکرار شیطان‌سازی علیه مجاهدین

آن‌ها از سر درماندگی، به تکرار شیطان‌سازی‌های شکست‌خورده علیه مجاهدین رو آورده‌اند. در کارگاه‌های وزارت بدنام اطلاعات و نیروی تروریستی قدس تومار ۸ هزار نفری برای سفر خانواده‌های مجاهدین به آلبانی امضا می‌کنند. بریده مزدوران استخدام شده در خارج کشور را مأمور پخش اراجیف علیه مقاومت ایران می‌کنند. در مواجهه با تجلیل گسترده از زنده‌یاد مرجان و تعهد مبارزاتی او به انتشار نشریه مجاهد جعلی دست می‌زنند تا هنرمندان را از ترس سرخ‌ترین نام در این رژیم، به موضع‌گیری علیه مجاهدین بکشانند.

مهندس بازرگان را به باد حمله می‌گیرند که در انتخابات دور اول مجلس از مسعود حمایت کرده یا از قول خود من در رابطه با مهندس بازرگان توییت جعل می‌کنند تا از نامگذاری یک خیابان به نام او ممانعت شود.

خلاصه کنم روزی نیست که این رژیم دروغ‌پراکنی و شیطان‌سازی را علیه مجاهدین و مقاومت ایران متوقف کند.

اما به این وسیله ناخواسته و به زبان معکوس هر روز در برابر جامعه ایران و به‌خصوص جوانان جویای آزادی و عدالت، جایگزین دمکراتیک را نشانی و آدرس می‌دهد. به عیان می‌بیند که نسل بالنده و رویان کشور، آینده و آزادی را در مبارزه تمام عیار از جنس ۳۰ خرداد علیه این رژیم یافته‌اند.

خامنهای اخیراً در سخنرانی ۲۸ اردیبهشت گفت: آن‌ها روی جوانان ما کار می‌کنند و برای این برنامه‌ریزی می‌کنند. متقابلاً بیت‌العنکبوت ولایت فقیه هم برنامه‌ریزی می‌کند. به دستگیری‌های گسترده دانشجویان و جوانان و توطئه علیه مقاومت دست می‌زنند.

چهار روز پیش گفتم که رژیم آخوندها با بسیج دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی‌اش از یک طرف می‌خواهد پرونده دکتر کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر را ببندد. در حالی که این پرونده یکی از قوی‌ترین پرونده‌ها به لحاظ مستندات حقوقی راجع به تروریسم دولتی رژیم است.

اما مقاومت ایران توطئه‌های زنجیره‌ی دوران پایانی حکومت آخوندی را درهم می‌شکند.

در این دوران، برای رژیم بحران‌زده، از میان برداشتن تنها جایگزین دمکراتیک به‌خاطر بقای رژیم، اصل موضوع است.

در این دوران در جنگ گرگ‌ها دائماً با تک و پاتک‌های «چند وجهی» مواجه هستیم که اگر کسی با وضعیت رژیم و بحران‌هایش و ترس و وحشتی که از مقاومت دارد، آشنا نباشد، ممکن است تعجب کند که مثلاً چرا این رژیم برای بالانس در اهانت و خصومت هیستریک با مجاهدین، به مزدوران خودش این‌قدر دست باز می‌دهد که حتی به خود خامنه‌ای هم تاخت و تاز کنند. به شرط این‌که تنها مرز سرخ را که مجاهدین و مقاومت ایران باشد، مراعات کنند. تاخت و تازها به‌خاطر رد گم کردن است و این‌که نتوان از مأموران اطلاعات به‌سادگی مچ‌گیری کرد.

هم‌چنان‌که هفت سال پیش در همین ایام، در بیانیه تفصیلی شورای ملی مقاومت آمده بود: «کد» شناخته شده اطلاعات آخوندها این است که گویا مجاهدین و همراهان شورایی آن‌ها به هرکس که مخالف آن‌ها باشد، بی‌دریغ برچسب اطلاعاتی می‌زنند. منظور از این کار تعبیه‌کردن یک چتر و حفاظ سیاسی برای عوامل و مأموران و مرتبطان اطلاعات آخوندهاست تا بدین وسیله سفیدسازی شوند و بتوانند خود را «منتقد» یا «مخالف مجاهدین» جا بزنند.

تا آنجا که به اطلاعات آخوندها مربوط می‌شود، خاستگاه و عنوان «اعضای سابق مجاهدین» نیز به همین منظور است. در این سالیان ارگان‌های امنیتی و ادارات حراست کشورهای مختلف اروپایی در گزارش‌های خود بارها این قبیل تلاش‌های اطلاعات آخوندها را برای نفوذ در صفوف اپوزیسیون رژیم برملا کرده‌اند.

به عنوان مثال اداره حراست از قانون اساسی در آلمان اعلام کرد «فعالیت‌های جاسوسی (رژیم) ایران که علیه آلمان صورت می‌گیرد، اغلب توسط وزارت اطلاعات انجام می‌شود. در این میان سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران به‌طور خاص در مرکز این فعالیت‌ها قرار دارند.»

هم‌چنین اداره اطلاعات و امنیت هلند که اعلام کرد «سازمان امنیت هلند پی برده است که وزارت اطلاعات ایران، یک شبکه اروپایی را هدایت می‌کند. اعضای این شبکه از اعضای

سابق مجاهدین هستند که توسط وزارت اطلاعات ایران جذب شده‌اند آن‌ها وظیفه دارند که افکار عمومی را در مورد مجاهدین خلق به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهند. و برای وزارت اطلاعات ایران در باره مجاهدین اطلاعات جمع کنند».

در آلبانی هم، بعد از توطئه‌های تروریستی، بعد از اخراج سفیر و کارمندان اطلاعات رژیم، و بعد از کنفرانس رئیس پلیس این کشور درباره اقدامات جاسوسی و تروریستی مزدوران علیه مجاهدین تحت عنوان خانواده و خبرنگار، و بعد از شاخ و شانه کشیدن خامنه‌ای درباره کشور آلبانی، ۲ روز پیش دیدیم که نخست وزیر ادی راما مجدداً نسبت به فعالیت‌های خصمانه رژیم در خاک آلبانی هشدار داد و گفت همین کارهای رژیم ما را ناگزیر از انجام اقداماتی در برابر این فعالیت‌های شرورانه کرد.

نخست وزیر آلبانی به روشنی گفت «ما بر اساس فاکت‌ها و نمونه‌ها می‌دانیم این رژیم چگونه در آلبانی کار می‌کند، فارغ از این‌که آن‌ها چه ایدئولوژی دارند یا چه اسمی روی خودشان گذاشته‌اند».

او تأکید کرد: «مطمئننا ما بسیار مفتخریم که توانسته‌ایم به مجاهدین کمک کنیم». می‌بینید که بحث در رابطه با این رژیم و نیروی قدس و اطلاعات و مزدورانش بر روی فاکت‌ها و نمونه‌ها استوار است. بنابراین ترفند اطلاعات آخوندها هم همان تاکتیک آی دزد، آی دزد است که مدت‌هاست لو رفته است.

به‌همین دلیل مجاهدین و کمیسیون قضایی شورا دو روز پیش در همین رابطه مجدداً مدعیان را به شکایت و دادگاه فرا خواندند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد...

## مقابله با صدور تروریسم و بنیادگرایی

دوستان عزیز،

افشا و مقابله با سیاست صدور تروریسم و بنیادگرایی در چهار دهه گذشته که شورای ملی مقاومت و مجاهدین با تمام قوا به آن مشغول بوده، بخشی از کارزار بزرگ برای سرنگونی فاشیسم دینی است، اجازه بدهید به اطلاع عموم مردم ایران برسانم که توطئه‌ها و تلاش‌های فشرده دو ساله فاشیسم دینی برای دربردن دیپلمات-تروریست به‌دام افتاده‌اش در بلژیک، تا این‌جا با سلسله اقدامات قضایی و انبوه اسناد و مدارک و شهادت‌ها، اولین جلسه استماع دادگاه که غیرعلنی است بزودی برگزار خواهد شد.

درست دو سال قبل در نهم تیرماه ۹۷، رژیم آخوندی برای یک کشتار بزرگ و چه بسا بزرگترین کشتار تروریستی در گردهمایی مقاومت در ویلپنت پاریس، برنامه‌ریزی کرده بود که در آخرین دقایق طرح خنثی و تروریست‌ها دستگیر شدند. واضح است که در این دو سال رژیم ایران از هیچ اقدام، و هیچ فشاری برای آزادی تروریست‌ها و بستن پرونده فروگذار نکرد، اما نتوانست مانع از ادامه تحقیقات و شروع محاکمه بشود. تا همین جا این پیروزی برای همه کسانی است که علیه تروریسم مبارزه می‌کنند. من تاکید می‌کنم این نقطه شروع است و باید سران رژیم آخوندی به عنوان بزرگ‌ترین آمران تروریسم در جهان امروز و همه عوامل و مزدوران آن‌ها در در داخل و خارج کشور به‌خاطر همدستی در جنایت در مقابل عدالت قرار گیرند.

## پیام به جامعه جهانی

دوستان عزیز!

سرنگونی رژیم ولایت فقیه خواست قاطع مردم ایران و قیام‌های آبان و دی اراده آتشین‌شان برای تحقق این خواست است. مردم ما هر روز با اعتراض‌ها و اعتصاب‌های خود و با فعالیت‌ها و عملیات کانون‌های شورشی به‌سوی سرنگونی رژیم در حرکت‌اند. زندانیان سیاسی در زندان‌های سراسر ایران با مقاومت در برابر جلادان خامنه‌ای، برای همین هدف پایداری می‌کنند.

بر جامعه بین‌المللی است که این پیام را بشنود:

ما همیشه گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که نباید به این رژیم اجازه داد که حتی یک فشنگ تهیه کند.

نباید حتی پول یک بشکه نفت ایران را به جیب بزند.  
و نباید حتی یک دلار از درآمد مردم ایران را هزینه کند.

مقاومت ایران هم‌چنان که از مدت‌ها پیش تاکید کرده، خواهان اعمال مجدد شش قطعنامه شورای امنیت ملل متحد علیه این رژیم است.

ما بر تمدید تحریم بین‌المللی هرگونه معامله سلاح با این رژیم تاکید می‌کنیم.

جامعه جهانی باید حق نبرد با استبداد دینی را برای مردم ایران به رسمیت بشناسد. سران این رژیم باید به خاطر کشتار ۱۲۰ هزار تن از فرزندان مردم ایران از جمله قتل عام سی هزار زندانی سیاسی و کشتار بیش از ۱۵۰۰ تن از مردم ایران در آبان ۹۸ در دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند.

### قطعنامه اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا

قطعنامه اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا که حق مردم ایران برای برقراری یک جمهوری دمکراتیک بر اساس جدایی دین و دولت و عاری از سلاح اتمی را به رسمیت شناخته، الگوی معتبری پیش روی همه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی درباره ایران و مردم ایران است. این قطعنامه تروریزم دولتی رژیم آخوندی و مشخصاً توطئه تروریستی علیه گردهمایی مقاومت در سال ۹۷ را محکوم می‌کند.

روح این قطعنامه حمایت از حق مردم ایران برای تغییر رژیم و دستیابی به یک جمهوری دمکراتیک است و می‌گوید که مردم ایران دیکتاتوری سلطنتی را رد کرده و استبداد دینی را هم نمی‌پذیرند و مخالف آن هستند. همچنین طرح ده ماده‌ی مقاومت ایران برای آینده ایران را مورد استناد و توجه قرار می‌دهد که سیمای یک ایران آزاد است:

- ۱- نه به ولایت فقیه. آری به حاکمیت مردم در یک جمهوری با رأی آزاد و کثرت‌گرا.
- ۲- آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و فضای مجازی، انحلال سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، لباس شخصی‌ها، بسیج ضد مردمی، وزارت اطلاعات، شورای انقلاب فرهنگی و همه گشت‌ها و نهادهای سرکوبگر در شهر و روستا و در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و کارخانه‌ها.
- ۳- تضمین آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر. انحلال دستگاه‌های سانسور و تفتیش عقاید، دادخواهی قتل عام زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام.
- ۴- جدایی دین و دولت، آزادی ادیان و مذاهب.

- ۵- برابری کامل زنان و مردان در حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، لغو هرگونه تبعیض، حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال. منع بهره‌کشی از زنان تحت هر عنوان.
- ۶- دادگستری و نظام قضایی مستقل طبق معیارهای بین‌المللی مبتنی بر اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات. الغاء قوانین شریعت آخوندی و بی‌دادگاه‌های انقلاب اسلامی.
- ۷- خودمختاری و رفع ستم مضاعف از اقوام و ملیت‌های ایرانی طبق طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران.
- ۸- عدالت و فرصت‌های برابر در اشتغال و در کسب و کار و بازار آزاد برای تمام مردم ایران. احقاق حقوق کارگر و دهقان، پرستاران، کارمندان، فرهنگیان و بازنشستگان.
- ۹- حفاظت و احیای محیط زیست قتل‌عام‌شده در حکومت آخوندها.
- ۱۰- ایران غیر اتمی، عاری از تسلیحات کشتار جمعی. صلح، همزیستی و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌یی.

مقاومت ایران در آغاز چهلمین سال پیکار خود با استبداد دینی، با مردم ایران و با یک‌صد و بیست هزار شهید راه آزادی تجدید عهد می‌کند.

از روز اول گفتیم هدف ما به‌دست آوردن قدرت به هر قیمت نیست. هدف ما برقراری آزادی و عدالت و دموکراسی در ایران به‌هر قیمت است.

بپاخیزیم و با همبستگی ملی و گسترش قیام و خیزش، روز آزادی را نزدیک و نزدیک‌تر کنیم.

سلام بر آزادی

سلام بر مردم ایران